

شیخ فصل الله نوری و مکتب تاریخ نگاری مشروطه

نویسنده: علی ابوالحسنی (منذر)



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

مشروطیت یکی از حوادث بزرگ تاریخ ماست که، به لحاظ «تأثیر عمیق و ماندگار» آن در سیاست و فرهنگ این سرزمین، نقطه عطفی در تاریخ کشورمان به شمار می‌رود و درست از همین رو، پیوسته حجم عظیمی از پژوهش‌ها و تحقیقات تاریخی را به خود اختصاص داده است. گذشت زمان، نه تنها از اهمیت بحث در باره این رویداد مهم تاریخی نکاسته، بلکه بر آن افزوده است، و امروزه بسیاری از صاحب نظران، بررسی مشروطیت و کاوش در باره ریشه‌ها و پیامدهای آن را، برای آشنایی نسل حاضر با پیشینه فرهنگ و سیاست کشور خویش، و عبرت‌گیری از آن در جهت بهبود وضعیت کنونی خود، امری حیاتی می‌شمرند.^(۱)

بررسی مشروطیت، بدون پرداختن به مواضع فکری و سیاسی حاج شیخ فضل‌الله نوری ممکن نیست. شیخ، در مراحل گوناگون تاریخ مشروطیت دخیل و مؤثر بوده و اگر مشروطیت را، در تاریخ کشورمان، بستر بروز نخستین نزاع جدی و اصولی میان «دین» و «مدرنیسم» به شمار آوریم، شیخ در آن هنگامه، پرچمدار دفاع از دین محسوب می‌شده و هزینه سنگینی نیز بابت این امر پرداخت کرده است.

سوگمندانه باید گفت که تاریخ مشروطیت، غالباً نه از منظری «بی‌طرفانه» و «واقع‌بینانه»، بلکه «یکسویه» و «جهت‌دار» نوشته شده و به ویژه کسانی که سنگ بنای «نگارش» این بخش از تاریخ ایران را نهاده‌اند، بیش و پیش از آنکه در صدد کشف و شناسایی حقایق باشند، ملوک‌سازي چهره «جناح مغلوب» و توجیه اعمال «جناح غالب» در آن دوران عبرت‌زای تاریخی را مد نظر داشته‌اند. و پرپیداست که این امر، بدون «تحریف» یا «کتمان» واقعیات، شدنی نبوده است. آگاهی از این امر به آنان که در پی درک حقیقتند (و حقیقت را نیز بیش از افلاطون دوست دارند) هشدار می‌دهد

۱. چالش سنت و تجدد / اسلام و غرب؛ عملکرد مطبوعات، احزاب و گروه‌ها؛ تبعات سوء اختلافات و دست‌بندی‌های «بحران‌ساز» سیاسی و اجتماعی؛ نقش سنن و شعائر مذهبی در پیشبرد قیام‌رهای بخش ملی، مناسبات دین و دولت / علما و سلطنت؛ نقش مرموز انجمن‌های ماسونی؛ پیامدهای استمداد از بیگانه سلطه‌جوی برای انجام اصلاحات داخلی، و مسائلی از این دست، از موضوعات مهم و قابل توجهی است که می‌توان مواد لازم برای بحث و تحقیق پیرامون آنها را، از سفره تاریخ مشروطیت برگرفت.

که در بررسی حوادث مشروطیت از نقد اظهارات مورخان غافل نبوده و در داوریهای خویش حتی الامکان به اسناد دست اول تاریخی رجوع کنند. آنچه در باب تحریف و کتمان حقایق گفتیم، بیش از همه دربارهٔ شیخ فضل الله نوری، این شخصیت تأثیرگذار تاریخی، مصداق دارد. چندانکه با بررسی «نقدانه» اظهارات غالب مورخین مشروطه دربارهٔ وی می‌توان دامنهٔ وسیع «تحریف حقیقت» را در تواریخ مشروطیت دریافت و از آشنایی با این فاجعه چراغی برای «بازنگری و بازنگاری» مشروطیت برافروخت و به «واقعیات» این دوران سرنوشت ساز نزدیک و نزدیکتر شد...

بازنگری در تاریخ معاصر - به ویژه عصر مشروطیت - نیاز «حیاتی و فوری» نسل امروز است که مؤلف محترم این اثر، در همین زمینه، طی نزدیک به ۳۰ سال تحقیق و بررسی دربارهٔ ۱۴ قرن تاریخ ایران اسلامی، سلسله مباحث تاریخی و تحلیلی زیر را پیرامون «مشروطیت و حاج شیخ فضل الله نوری» به رشته نگارش درآورده است: ۱. آخرین آواز قوا!؛ بازکاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل الله نوری براساس «آخرین برگ» زندگی او، و «فرجام» مشروطه ۲. شیخ فضل الله نوری، و مکتب تاریخ نگاری مشروطه ۳. اندیشه سبز، زندگی سرخ؛ زمان و زندگی شیخ فضل الله نوری ۴. خانه، بر دامنه آتشفشان!؛ شهادتنامه شیخ فضل الله نوری. ۵. دیده بان، بیدار!؛ دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری ۶. راز پنهان!؛ شیخ فضل الله نوری را، چرا و چه کسانی کشتند؟ ۷. کارنامه شیخ فضل الله نوری؛ پرسشها و پاسخها ۸. کالبد شکافی چند شایعه دربارهٔ شیخ فضل الله نوری... ۹. خاطرات و اظهارات آیت الله حاج شیخ حسین لنکرانی دربارهٔ مشروطیت و شیخ فضل الله نوری.

دفتر حاضر، دومین حلقه از سلسله آثار فوق است که ضمن تبیین روش درست تحقیق و پژوهش تاریخ، به بررسی انتقادی از میراث مکتب تاریخنگاری مشروطه می‌پردازد و تکمیل مباحث آن را باید در کتاب «کالبد شکافی چند شایعه...» از همین سلسله آثار جستجو کرد که به نقد شایعات مربوط به شیخ فضل الله اختصاص دارد. امید است که سلسله آثار فوق، به ویژه دفتر حاضر، در ارتقای سطح آگاهیهای نسل جوان کشورمان مفید و مؤثر افتد. ان شاء الله تعالی.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تابستان ۱۳۸۵

فهرست

- سخن ناشر ۵
- بخش اول: تاریخ مشروطیت؛ آن گونه که «هست»، آن گونه که «باید باشد» (هشت گفتار در باب روش پژوهش و تحقیق تاریخ) ۱۱
۱. اسلام، دین حق و آیین حقیقت پرستی ۱۳
۲. شناخت واقعیات تاریخی؛ کاری سخت، اما ممکن ۱۷
۳. کشف حقایق تاریخی؛ شرایط و الزامات ۲۱
۴. نقد و پالایش نظریات تاریخی؛ ضرورتی مستمر و جاویدان ۲۶
۵. مورخ، در بیان نظریات خود، باید صادق و صریح باشد ۲۹
۶. لزوم آشنایی با باورها و سنتهای ملی - دینی جامعه مورد پژوهش ... ۳۲
۷. نکات و شرایط لازم در بررسی دقیق و جامع تاریخ مشروطیت ۳۷
۸. تاریخ مشروطه؛ درسهای ارزنده برای امروز و فردای ایران ۳۸
- بخش دوم: تواریخ مشروطه، نیازمند نقد و پالایش ۴۳
- * نمونه هایی از اشتباهات فراوان مورخان مشروطه ۴۵
۱. خلط اشخاص و رویدادها با یکدیگر ۴۵
- ۱-۱. خلط اشخاص با یکدیگر ۴۵
- ۱-۲. خلط حوادث و رویدادها با یکدیگر ۴۷

- ۵۰ ۲. تسامح و اشتباه در گزارش حوادث
- ۵۰ ۲-۱. نمونه اول: ایران بین دو انقلاب، نوشته دکتر آبراهامیان
- ۵۲ ۲-۲. نمونه دوم: کتاب نارنجی، تعلیقات احمد بشیری
- ۵۶ ۲-۳. نمونه سوم: انقلاب مشروطه ایران، نوشته ژانت آفاری
- ۸۳ ۲-۴. نمونه چهارم: انقلاب ایران در دو حرکت، نوشته مهندس بازرگان
- ۸۵ * عمق تحریف در تواریخ مشروطه
- ۸۷ * حملات مورخان مشروطه به یکدیگر
- ۸۷ ۱. انتقاد مورخان از کلیت تواریخ مشروطه
- ۹۰ ۲. هجمه مورخان مشروطه به یکدیگر
- ۹۵ * انگیزه‌های نفسانی در بدگویی مورخان مشروطه از یکدیگر
- ۹۷ بخش سوم: مکتب تاریخ نگاری مشروطیت؛ کاستیها و آفات
- ۹۹ ضرورت نقد و پالایش تاریخ مشروطیت
- ۱۰۲ جانبداري یا ضدیت مورخان با رجال صاحب نقش در مشروطه
- ۱۰۸ توطئه پنداری افراطی در تحلیل رویدادها و عملکردها
- ۱۱۰ نمونه اول: خاطرات حاج سیاح
- ۱۱۴ نمونه دوم: خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی
- ۱۱۷ * در تواریخ مشروطه، همه متهم‌اند!
- ۱۱۷ ۱. اتهام به علما
- ۱۱۷ ۱-۱. اتهام به عالمان مشروعه خواه (شیخ نوری و...)
- ۱۲۵ ۱-۲. اتهام به عالمان مشروطه خواه (آخوند خراسانی و...)
- ۱۲۸ ۲. اتهام به رجال هوادار مشروطه (اما منتقد به تندروها)
- ۱۳۲ ۳. اتهام به مجلس شورای صدر مشروطه
- ۱۳۷ * کانونهای نشر تهمت در عصر مشروطه
- ۱۳۹ * یک نکته جالب!
- ۱۴۱ هتاکي به مخالفان و منتقدان
- ۱۴۹ * تواریخ مشروطه؛ تداوم بخش راه شبنامه‌های کذایی!

۱۵۰	۱. هتاکى به علما.....
	بزرگنمايى درباره اشخاص، جناحها و جريانها و فرو کاستن از نقش و مقام ديگر
۱۵۹	اشخاص و جناحها و جريانها.....
۱۶۳	رونويسى از دست يکديگر و عدم نقادى مسموعات و منقولات.....
۱۶۴	* نمونه اول: مهدى ملکزاده در «تاريخ انقلاب مشروطيت ايران» ..
۱۶۵	* نمونه دوم: عبدالهادى حائرى در «تشيع و مشروطيت ايران...» ..
۱۶۹	الف) حاج شيخ محمدباقر نجفى اصفهانى:.....
۱۷۱	ب) آقاجفى:.....
	* نمونه سوم: تکثير اتهامى «عجيب و باورناپذير» در تواريخ مشروطه ۱۸۴
۱۹۰	عدم توازن در ارائه اخبار، و جريان يکسويه اطلاعات.....
۱۹۰	* نمونه اول:.....
۱۹۲	* نمونه دوم:.....
۱۹۳	* نمونه سوم:.....
۱۹۵	تقسيم بندى کليشه اى افراد و گروهها به مشروطه خواه و مستبد.....
۱۹۸	* کليشه ها مى شکنند!.....
۲۰۷	تسامح و اشتباه در به کارگيرى الفاظ و تعابير.....
۲۰۷	نمونه اول.....
۲۱۵	* نمونه هاى ديگر.....
۲۱۶	طلسم تحريف در تاريخ مشروطه تدريجاً مى شکنند!.....
	بخش چهارم: عناد با فرهنگ، ستيز با تاريخ! (نقدى بر ديدگاههاى تاريخى سيد احمد
۲۲۱	کسروى).....
۲۲۲	* مداخل.....
۲۲۴	* احمد کسروى در چند سطر.....
۲۲۶	* دشمنى کسروى با دين و علما.....
۲۲۷	* حمايت کسروى از ديکتاتور پهلوى.....
۲۳۰	* بدگويى از شهيد مدرس، به نفع سر پاس مختارى!.....

۲۳۹	* حمایت محمدرضا پهلوی از سرپاس مختاری
۲۴۰	* جنایات و مظالم سرپاس مختاری
۲۴۳	* تبانی کسروی با شاه و مختاری
۲۴۴	* راز همسویی کسروی با رضاخان
۲۴۶	* نگارش تاریخ مشروطه؛ فرصتی برای ستیز با اسلام و روحانیت
۲۴۹	* برجسب ناآگاهی بر پیشانی تمامی عالمان مبارز!
۲۵۱	* تعریف از میرزا ملکم خان
۲۵۴	* عضویت در فراماسونری
۲۶۳	* راز مخالفت کسروی با علما
۲۶۷	* نکته بودار و سؤال انگیز
۲۷۰	* آیا آثار تاریخی کسروی، از تعصبات ضد مذهبی خالی است؟! ...
۲۷۴	* تناقض در داوری
۲۷۸	* کسروی، مخالفان را کتک می زند!
۲۸۳	* سخن آخر
	ضمیمه شماره یک، مربوط به ص ۲۴۸-۲۴۹ مروری بر زندگی و مجاهدات
۲۸۴	آیت الله حاجی میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی
۲۹۷	کتابنامه
۲۹۷	الف) جراید و نشریات ادواری
۲۹۸	ب) کتب و مقالات
۳۱۳	اعلام

آخرین آواز قو!

(باز کاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل الله نوری براساس
«آخرین برگ» زندگی او، و «فرجام» مشروطه)

نویسنده: علی ابوالحسنی (منذر)



موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

فهرست

۷	سخن ناشر
۱۱	پیشگفتار
۱۵	۱. کتاب مشروطه و پرونده شیخ راباید از آخر به اول خواند!
۲۰	مشروطه، در سیر برگشت ناپذیر خود، به کجا منتهی شد؟
۲۲	الف) سلسله قاجار
۳۰	ب) روحانیت شیعه
۳۰	همکاری وسیع رجال مشروطه با رژیم پهلوی
۵۵	۲. آخرین برگ کارنامه شیخ، باطل کننده برجسبهای ناچسب!
۵۷	اسلام، زیر بیرق کفر نمی رود!
۵۹	برجسبهای ناچسب!
۶۱	تهمت وابستگی به روسیه؟!
۶۳	اکنون دیگر، مرگ بر من گواراست!
۶۷	۳. چون کوه استوارا چون موج خروشان!
۷۲	زین همراهان سست عناصر دلم گرفت...
۸۳	۴. دانش و پارسایی، دو ویژگی بارز شیخ شهید
۸۳	دانش کلان دینی
۸۸	تقوا و پارسایی
۹۱	۵. همیشه یار و غمخوار مردم بود
۱۰۳	۶. محبوب دل پاکان!

۱۰/ آخرین آواز قو؛ بازکاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل الله نوری...

۷. شیخ در «رجال شناسی»، از دیگران جلوتر بود! ۱۱۵
۸. سرکه انداختیم، شراب شد! (ندامت مشروطه خواهان در پایان کار)..... ۱۲۳
۹. تقی زاده نیز به خطای خویش اعتراف می کند! ۱۳۷
۱۰. آخرین آواز قو، واپسین تیر آرش! ۱۵۱
- کتابنامه ۱۵۹
- الف) مجموعه ها و اسناد ۱۵۹
- ب) جراید و نشریات ادواری ۱۶۱
- ت) کتب و مقالات ۱۶۲

پیشگفتار

فقیه اصولی، حکیم، ادیب، سیاستمدار و نظریه‌پرداز بزرگ عصر مشروطه آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله لاشکی گنجوری معروف به نوری (تولد: ۲ ذی‌حجه ۱۲۵۹ ق. شهادت: ۱۳ رجب ۱۳۲۷ ق.) یکی از برجسته‌ترین و بحث‌انگیزترین شخصیت‌های تاریخ معاصر است که هنوز هم پس از گذشت نزدیک به یک قرن از مرگ وی، موافقان و مخالفان سرسخت دارد و اندیشه و عملکردش مورد بحث پژوهشگران تاریخ و نظرورزان رشته‌دین و سیاست است.

شیخ فضل‌الله، به عنوان یک شخصیت مؤثر و تاریخساز که برخلاف موج رایج زمانه (غریزدگی) شنا کرده است، بیش از ۷۰ سال همواره آماج سخت‌ترین دشمنی‌ها و نسبت‌های سوء قرار داشت و در این مدت کمتر کسی به دفاع از او برخاست یا مجال حمایت از او را یافت.^(۱) با طلوع خورشید انقلاب اسلامی، وضع جدیدی پیش آمد و به دلیل همسویی وجه «اسلامی» انقلاب با «اصول» اندیشه و تفکر آن مرحوم، میدان برای کسانی نیز که می‌خواستند از تقلید کورکورانه امثال کسروی سر باز زده و تجدیدنظری در قضاوت‌های رایج تاریخ مشروطه داشته باشند، باز شد.^(۲)

۱. سخن در باره نقاط ضعف و تحریف تاریخنگاری معاصر ایران، بسیار است. عجلالتاً ر.ک، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱۶۰/۲ به بعد؛ نظریه توطئه...، عبدالله شهبازی، ص ۱۵۹ به بعد؛ جریان‌شناسی تاریخنگاریها در ایران معاصر، ابوالفضل شکوری.

۲. هر چند که در عین حال، هنوز پس از گذشت بیست سال از پیروزی انقلاب، بازار کتاب و اندیشه، از تکرار و تجدید چاپ آن نسبت‌ها و هتاک‌ها به ساحت شیخ و دیگر عالمان دین، خالی نیست و حتی بوده‌اند کسانی که پیش از انقلاب، وقیحترین تعبیر را در برخی از آثارشان راجع به شیخ فضل‌الله به کار برده‌اند و بعد از انقلاب، به اعتبار پاره‌ای از

۱۲/ آخرین آواز قو؛ بازکاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل الله نوری...

مع الوصف، نوآندیشانی هم که پس از پیروزی انقلاب، در صدد «بازبینی و بازنگاری» تاریخ مشروطه برآمدند، با یک محذور اساسی روبرو بوده‌اند، و آن اینکه، زمان گذشته بود و کسانی که به نحوی دست اندر کار قضایای مشروطه یا شاهد حوادث آن بوده و مخصوصاً همفکر شیخ نوری بودند نوعاً از دنیا رفته و دیگر حضور نداشتند که «نیمه سفید و نانوشته» تاریخ مشروطه را بازگو کنند، تا حوادث آن روزگار از دیدگاه مشروعه‌خواهان نیز بیان و تحلیل شود و در نتیجه، راه برای یک نگرش و قضاوت جامع الأطراف، همه جانبه و واقع بینانه باز گردد و تاریخ، از صورت «دادخواستی که گروه فاتح، با منطق «وای بر مغلوب!»، بر ضد گروه شکست خورده تنظیم کرده است» بیرون آید.

بعلاوه، بسیاری از اسناد و مدارک تاریخی (که می‌تواند حاوی صفحات «سفید» تاریخ مشروطه، و محکی برای تشخیص صحت و سُقمِ اوراقِ مکتوب آن باشد) در تپاول ایام و بر اثر شرایط سخت اختناق از بین رفته است^(۱) و نتیجتاً امکان گردآوری مواد و مصالح کافی برای بازنگاری «جامع» و «صحیح» تاریخ مشروطه - چنانکه باید - فراهم نیست. آری، به قول صادق سرمد:

پرو بال ما شکستند و، در قفس گشودند

چه رها چه بسته مرغی، که پرش بریده باشد

ازینرو ناچاریم که حقایق تاریخ مشروطه را از لابلای همین (به اصطلاح) نوشتجات تاریخی غرض آلود امثال کسروی و ناظم الاسلام کرمانی و... استخراج کنیم، که طبعاً کاری بسیار سخت و مشکل (ولی البته - به فضل حق - شدنی) است.

→ تصنیفات جدیدشان، به دریافت جایزه کتاب سال نیز نایل شده‌اند!

آری، امروزه انواع و اقسام خاطرات، سفرنامه‌ها، و آثار بظاهر تاریخی و تحلیلی مربوط به عصر مشروطه و قاجار، چاپ یا تجدید چاپ می‌شود (عوض مخالفت منطقی)، حاوی دشنام و هتاک به علما و مرحوم نوری است، و لابد جلو آن راه نمی‌شود گرفت. ۱. در این باب، برای نمونه‌ای از محو اسناد مشروطه مشروعه، ر.ک به: گزارش تکانه‌دهنده و عبرت انگیز آقای شمس‌الدین تندرکیا (پسر حاج میرزا هادی، فرزند شیخ شهید) از نابودی اسناد و مکتوبات مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری، مندرج در کتاب نهیب جنبش ادبی - شاهین، صص ۲۹۱-۲۹۳، و نیز گزارش تکانه‌دهنده آقای فضل‌الله نورالدین کیا (پسر آقاضیاء‌الدین نوری، فرزند دیگر شیخ شهید) از سرقت بخش دیگری از اسناد مربوط به شیخ، مندرج در: خاطرات خدمت در فلسطین...، صص ۷۷-۸۴.

خوشبختانه اسنادی نیز که در سالهای اخیر از گوشه و کنار به دست آمده و همچنین پژوهشها و تحقیقاتی که پس از انقلاب توسط محققان نواندیش و غالباً جوان منتشر شده^(۱) در مجموع پرده‌های متعددی را از روی حقایق مکتوم تاریخ مشروطه کنار زده است؛ گویانکه هنوز تا منزلگاه نهایی، راه درازی در پیش است... بهر روی، برای دستیابی به تحلیلی بیطرفانه و در عین حال جامع‌الاطراف از حوادث مشروطه، به نگارش چندین کتابِ قطور نیازمندیم که طی آن بتوانیم طومار حوادث آن عصر را، با توجه به ریشه‌های تاریخی چند دهساله آن، یکایک گشوده

۱. همچون جنابان آقایان استاد علی دوانی: «نهضت روحانیون ایران»، ج ۱، ص ۱۱۱ به بعد؛ دکتر علی‌اکبر ولایتی: «مقدمه فکری نهضت مشروطیت» و دوره «تاریخ روابط خارجی ایران»؛ جواد بهمنی: «فاجعه قرن...»؛ محمد رجبی: «سیر تفکر جدید در جهان و ایران» و دوره «مقدمه ای بر انقلاب فرهنگی اسلامی»؛ محمدعلی جاویدان: «در تحلیل استعمار فرهنگی»؛ موسی نجفی: «اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی»، «حکم نافذ آقاجفی»، «متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران»، «تعامل دیانت و سیاست در ایران» و مقالات گوناگون در جراید؛ رسول جعفریان: «بست‌نشینی مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس»؛ مصطفی بروجرودی: «نخستین فریادگر مشروطه...»؛ مهدی انصاری: «شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت...»؛ موسی حقانی: مقالات گوناگون در: مجله تاریخ معاصر ایران؛ مظفر نامدار: «رهیافتی بر مبانی اندیشه‌های سیاسی شیعه در قرن اخیر» و آثار دیگر؛ محمد ترکمان: دو جلد: «رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه شیخ شهید فضل‌الله نوری» و «مکتوبات، اعلامیه‌ها... و چند گزارش پیرامون نقش شیخ شهید فضل‌الله نوری» و نیز مقالات متعدد در مجله تاریخ معاصر ایران و نگاه نو و دنیای کتاب؛ هما رضوانی: «لوايح آقا شيخ فضل الله نوري»؛ عبدالله شهبازی: جلد دوم «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی»، دوره «زرسالاران يهودی و پارسی» و نیز: «نظریه توطئه، صعود سلطنت پهلوی...» و...؛ ابوالفضل شکوری: «خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران...»؛ حسین آبادیان: «رسول‌زاده...» و آثار دیگر؛ سید حمید روحانی: «نهضت امام خمینی»، ج ۳، فصل: «ماسون‌ها و نهضت مشروطه»؛ سید محمدتقی آیت‌اللهی: «ولایت فقیه، زیربنای فکری مشروطه مشروعه»؛ دکتر رضا داوری: «انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم»، فصل: رهبری در مشروطیت و در انقلاب اسلامی؛ دکتر محمد مددپور: «تجدد و دین‌زدایی...» و «تأملاتی انتقادی در باب اندیشه‌های بنیادی مشروطه»؛ شهریار زرشناس: مقالات گوناگون در کیهان نظیر «جنبش مشروطه»؛ درسهایی از یک تراژدی» و دیگر جراید؛ حسن رحیم پور «از غدی»؛ «شیخ فضل‌الله چرا بر دار رفت؟!» و...

برای آشنایی با تحقیقات قدیم و جدید در باره مشروطیت و حاج شیخ فضل‌الله ر.ک، کتابشناسی انقلاب مشروطیت ایران، علی پورصفر، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۳.

و بدقت بررسی کنیم تا معلوم شود سخنانی که راجع به مشروطه و عملکرد شیخ فضل‌الله زده شده و می‌شود (و بعضاً، از غایت کهنگی، نخ نما شده!) چه مقدار با حقایق تاریخی و اعتبارات عقلی، همخوان بوده و چه مقدار نیز «عقده‌ها و عقیده‌هایی است که به قالب تاریخ درآمده‌اند»؟! یقیناً این کار مجال واسعی را می‌طلبد و در یک فرصت محدود، امکان پرداختن به آن نیست^(۱) و بنابراین باید برای رسیدن به مقصد (یا زمینه سازی جهت نیل به آن) راه میانبری را برگزید: بررسی صفحه پایان تاریخ مشروطه و نیز برگ آخر پرونده شیخ، که گشاینده طلسم حقیقت است.^(۲)

علی ابوالحسنی (مُنذر)

۱. راقم این سطور، در باب مشروطه و تجزیه و تحلیل حوادث آن روزگار، آثار متعددی دارد که برای اطلاع پژوهشگران و طالبین، به برخی از آنها اشاره می‌شود: ویژه نامه مذهبی - سیاسی «کوثر»، منتشره از سوی انتشارات کوثر، شماره ۳ (حدود تیر ۱۳۵۸)، ویژه شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری؛ تحلیلی سیاسی - اجتماعی از فلسفه و ضرورت ولایت فقیه و دموکراسی ارشاد شده، فصل: «مشروطه بازها و مشروعه خواهها»؛ نگاهی کوتاه و گذرا به نهضت مستقیم و مستمر مرجعیت و روحانیت شیعه در دو قرن اخیر، مندرج در: دیدگاهها و انقلاب اسلامی ایران، به اهتمام باقری بید هندی؛ تحلیلی از نقش سه گانه شیخ شهید نوری در نهضت تحریم تنباکو؛ پایداری تا پای دار، سیری در حیات پربار علمی... و سیاسی شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری؛ آینه دار طلعت یار؛ سیری در زندگانی و افکار ادیب پیشاوری، صص ۴۷-۸۷؛ تراز سیاست، جلوه هایی از سیاست و مدیریت شیخ انصاری، صص ۱۵۹-۱۸۴.

۲. دفتر حاضر، در اصل، تفصیل سخنرانی است که توسط راقم این سطور، شب ۲۳ آذر ۱۳۷۴ شمسی در مراسم «یادمان شیخ فضل‌الله نوری» در تهران (ضلع جنوبی پارک شهر، خیابان شیخ فضل‌الله نوری، مسجد شیخ فضل‌الله) ایراد گردید. مراسم مزبور به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران و با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد و چند تن از شاعران و اندیشمندان بنام کشور همچون آقایان محمود شاهرخی (جذبه) و دکتر داوری در آن به سرودن اشعار و ایراد سخنرانی پرداختند.

اندیشه سبز، زندگی سرخ

(زمان و زندگی شیخ فضل الله نوری)

نویسنده: علی ابوالحسنی (منذر)



موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

باران زلال حرفهای تو...

باران زلال حرفهای تو

طراوت جهان بود

در روزگار سرد سنگ.

ای مرد سربدار!

آینه ای بودی که حقیقت خویش را در تو می دیدیم...

مهتاب در پیشانیت می شکفت

و آفتاب از چشمهایت می بارید.

ای شیخ شهید!

اشراق چشمهای تو

فانوس

روشن

راه ماست.

بی‌باک از طوفان...!

حسرت نبرم
به خواب آن «مرداب»
کآرام
درونِ دشتِ شب
خفته ست...

«دریا» یم و،
نیست باکم از طوفان
دریا
- همه عمر -
خوابش
آشفته ست...! (۱)

فهرست

۵	باران زلال حرفهای تو...
۶	بی باک از طوفان...!
۷	سخن ناشر
۱۱	مرووری بر حیات... شیخ فضل الله نوری (از تولد تا پایان تحصیلات)
۱۳	* خاندان.....
۳۱	* در محضر اساتید تهران و نجف.....
۳۳	* شیخ در سامرا.....
۳۷	آشنایی با خصال و روحیات دو استاد بزرگ شیخ:
۳۷	۱. آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی.....
۴۰	* مقام والای علمی.....
۴۲	* نفوذ گسترده دینی.....
۴۳	* وارستگی معنوی.....
۴۷	* پرواز به کوی دوست!.....
۴۸	* شیخ فضل الله نوری، از دیدگاه محقق رشتی.....
۵۲	۲. آیت الله میرزای شیرازی.....
۵۷	* مهاجرت میرزا به سامرا.....
۵۹	* شیخ به سامرا می رود.....
۶۰	* مقام علمی و اخلاقی، و سیره تربیتی و سیاسی میرزا.....
۶۷	* درگذشت میرزا.....

- ۶۸ * ارتباط و خصوصیت ویژه شیخ با میرزای شیرازی
- ۷۱ * اهتمام شیخ به ترویج رهبری و مرجعیت میرزا
- ۷۵ شیخ، به امر میرزا، به تهران می آید
- ۷۹ خدمات گوناگون شیخ، هنگام اقامت در تهران
- ۸۵ شیخ شهید نوری از قیام تا صعود
- ۸۶ دولت طوفان!.....
- ۸۷ ۱. نهضت تحریم؛ دفع نفوذ و سلطه خزنده استعمار.....
- ۸۸ نقش سه گانه شیخ فضل الله در نهضت تحریم.....
- ۸۸ شیخ، «مجرای ارتباط» و «منبع اطلاعات» رهبر جنبش در پایتخت.....
- ۹۴ شیخ، خُشناگر تبلیغات سوء بر ضد جنبش.....
- ۹۹ شیخ، مبلغ «روح دینی» و «هویت مذهبی» نهضت.....
- ۱۰۳ جنبش تنباکو؛ زمینه ساز نهضت مشروطه.....
- ۱۰۶ ۲. عزل امین السلطان؛ زمینه سازی برای روی کار آمدن «خیرالموجودین» ها.....
- ۱۱۲ ۳. عدالتخانه؛ مهار «قانونمندان» شاه و دولت.....
- ۱۳۱ ۴. مشروطه مشروعه؛ کنترل «دمکراسی اروپایی» با لگام شریعت.....
- ۱۴۵ ۵. تحریم مشروطه؛ تلاش برای احیای عدالتخانه.....
- ضمیمه، مربوط به بخش اول کتاب (اظهارات چند تن از مطلعین راجع به
 زادگاه، بستگان و محل پرورش اولیه شیخ فضل الله نوری)
- ۵۸
- ۶۳ کتابنامه
- ۱۶۳ الف) مجموعه ها و اسناد.....
- ۱۶۵ ب) جراید و نشریات ادواری.....
- ۱۶۵ پ) کتب و مقالات.....

کارنامه شیخ فضل الله نوری (پرسشها و پاسخها)

نویسنده: علی ابوالحسنی (مفذر)



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

ای مردم، چشم و گوش باز نمایید! قوهٔ ممیزه پیدا کنید! حق و باطل را بشناسید! گول سخن را نخورید! زشت و زیبا را بدانید! دین خود را بر ایگان از دست ندهید!

همین اساس مشروطیت اسلامی - که هر کس می‌گوید روح اسلام است، اصل اسلام است، مروج قرآن است - ببینید واقع همین طور است که شنیده اید و گفته اند؟ قوانین او مطابق با کلام مجید و قرآن حمید است یا به خلاف اوست، و مخالف با دین و شرع مقدس نبوی - صلی الله علیه و آله - است؟ ...

بفهمید اگر این قانونها مخالف با شرع نیست و باعث قوت اسلام است، با کمال میل و رغبت زیر این قوانین بروید و منت هم بکشید قبول نمایید! به جان و دل پذیرید! اما اگر مخالف و ضد قانون الهی دیدید، بر شما و بر هر مسلمان واجب است که تا جان در بدن دارد زیر بار بیدینی نباید برود، دین به دنیا ندهد، طریقهٔ کفر نجوید، جز شاه جادهٔ روشن محمدی - صلی الله علیه و آله - و الهی نبوید...

از سخنان شیخ فضل الله نوری
(در تحصن حضرت عبدالعظیم علیه السلام)

فهرست

۷	سخن ناشر
۱۱	چرا شیخ حامی «عدالتخانه» و مخالف «مشروطه» بود؟
۱۳	۱. تبیین واژه‌ها
۱۳	«مشروطه»، «جریانی واحد و یکپارچه» نبود.....
۱۸	«رفع یک اشتباه رایج تاریخی».....
۲۱	۲. فلسفه سیاسی عدالتخانه
۲۲	«نفوذ عمیق و چشمگیر روحانیت، پیش از مشروطه».....
۲۶	«حدود قدرت مطلقه شاه، پیش از مشروطه».....
۳۰	«محاكم عرف و محاكم شرع».....
۳۶	«محاكم شرع؛ کارنامه درخشان:».....
۳۶	الف) نفوذ و محبوبیت اجتماعی صاحبان «محاكم شرع».....
۴۷	ب) گواهی تاریخی در باب عملکرد صاحبان «محاكم شرع».....
۵۶	«عدالتخانه، علاج مشکلی تاریخی ملت ایران».....
۵۸	«حوزه مسئولیت عدالتخانه».....
۶۰	۳. وجوه اشتراک و افتراق مشروطه از عدالتخانه
۶۰	«مشخصات یک قانون مطلوب».....
۶۱	«نقاط اشتراک مشروطه و عدالتخانه».....
۶۳	«نقاط افتراق و جدایی مشروطه از عدالتخانه:».....
۶۳	الف) گسترش دایره نیاز به قانون، و تقلید از قوانین غرب.....
۶۷	ب) خلط حدود اسلامی «وکالت» و «ولایت» بایکدیگر.....

- ۶۹ * ایرادات سیاسی شیخ به مشروطه و اردانی
- ۷۷ ۴. ملت ایران، عدالت اسلامی می خواست، نه مشروطه فرنگی!
- ۸۶ * مراحل مبارزه شیخ با مشروطه سکولار:
- ۸۶ مرحله ۱. طرح شعار «مشروطه مشروعه»
- ۸۷ مرحله ۲. تحریم مشروطه و احیای عدالتخانه
- ۸۹ آیا شیخ، آخوند درباری بود؟
- ۹۱ * نفوذ عمیق و وسیع شیخ در میان مردم
- ۹۴ * موقعیت و الای شیخ در بین رجال بزرگ عصر
- ۱۰۷ * هیبت و صلابت شیخ در برابر زعمای قوم
- ۱۰۹ * نقش مؤثر در نهضتهای ضد استبدادی و عزل حکام جور
- ۱۱۵ * او، تاجر عقیده نبود.
- ۱۲۷ چرا شیخ از محمدعلیشاه حمایت کرد؟
- ۱۲۹ * قرارداد ۱۹۰۷، طرح کلان استعمار برای تسخیر ایران.
- ۱۳۱ * تندروها، زمینه ساز اشغال کشور توسط بیگانه
- ۱۳۴ * مقابله شیخ با استراتژی «شیطانی» استعمار
- ۱۳۸ * مخالفان شیخ هم، به حرف او رسیدند!
- ۱۴۰ * شیخ فضل الله و شهید مدرس؛ موضع یکسان در برابر نقشه استعمار
- ۱۴۲ * رازی که کتمان شده است!
- ۱۴۷ * روسها نیز عزل شاه رومی خواستند
- ۱۵۵ دیدگاهها، رهنمودها و هشدارهای اسلامی شیخ فضل الله نوری
- ۱۷۷ کتابنامه
- ۱۷۷ الف) مجموعه ها و اسناد
- ۱۷۸ ب) جراید و نشریات ادواری
- ۱۷۹ پ) کتب و مقالات

دیده‌بان، بیدار!

(دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری)

نویسنده: علی ابوالحسنی (منذر)



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تقدیم به «چشمها» یش!

که دور دستها را، می‌کاوید
و دامهای نهان را...
نیغ نگاهش، از درهای بسته می‌گذشت،
و پر می‌کشید تا...
خلوتِ نجوایِ دشمن.
«فردا» را در آینه «امروز» می‌خواند
و، با نگاهی به «پزیروز»، مردِ «پس فردا» بود.
دوربین بود و پیش بین،
و هشدارش، خوابِ خوشِ غافلان را
برمی‌آشفته؛
فانوس دریا بود در
طوفانِ
ظلمت افزای
زمانه...

تو چو من اگر بجویی، به شمارِ خاک، یابی
چو تویی اگر بجویم، به چراغها نیابم!...

آزادی؛ گوهری دیرباب و زوئرو!

آزادی، هم بوته آزمایش است و هم یک عطیه آسمانی؛ و لازمه دستیابی و اطمینان بر آن، اندازه شناسی افراد و انضباط اخلاقی آنهاست.

آزادی، غذایی نیروبخش، اما سنگین و دیر هضم است. از بیروست که من به آن سبکسرانی می‌خندم که با شنیدن یک حرف از دهان فلان ماجراجو برانگیخته می‌شوند و از عاقبت کار آن آدم پر خاشگری بیم دارم که دم از آزادی می‌زند، بدون اینکه از معنی واقعی آن چیزی سردر بیاورد، همان کسی که میان مفهوم آزادی با لگام گسیختگی تفاوتی نمی‌گذارد.

آزادی، ای برترین نعمت آسمانی! ای آزادی مقدس! کاش مردم قدر تو را درست می‌شناختند و متوجه بودند که در ازای چه بهای گرانی به دست می‌آیی و امکان پابندگی و دوامت چقدر اندک است، و نیز این نکته را می‌آموختند که، از عهده انجام شرایط تو برآمدن، صد بار دشوارتر است تا اطاعت امر فلان حاکم جبار.

ژان ژاک روسو

فیلسوف مشهور فرانسوی

فهرست

۵	تقدیم به «چشمه‌ها» بش!
۷	سخن ناشر
۱۱	پیشگفتار
۱۳	دانش کلان و جامعیت علمی؛ ویژگی بارز شیخ فضل الله
۱۴	انطباقات صاحب نظران
۲۱	اعتراف مخالفان
۲۴	شاگردان برجسته شیخ
۲۴	جامعیت علمی شیخ
۲۷	زمان آگاهی و غرب شناسی شیخ فضل الله
۳۹	استقلال، عدالت، حاکمیت اسلام: سه رکن «نظریه سیاسی» شیخ
۴۱	۱. استقلال (رهایی از سلطه سیاسی و فرهنگی غرب)
۴۲	طرز سلطه سیاسی استعمار
۴۶	طرز سلطه اقتصادی استعمار
۵۱	طرز سلطه فرهنگ یگانه برکنور اسلامی
۵۵	۲. عدالت و حکومت قانون
۵۷	عدالتخانه، مهار خردکامیهای شاه و دولت
۵۹	قانونخواهی و قانونمداری شیخ
۶۴	نه مشروطه، نه پادشاه؛ بلکه عدالت اسلامی!
۶۵	عدالت، معشوقه دلربای شیخ بود!
۶۹	۳. حاکمیت اسلام
۷۰	دو برابر حکم اسلام، شاه و رعیت یکسانند!
۷۵	دیدگاههای شیخ درباره آزادی، مساوات، مجلس شورا و رأی اکثریت
۷۶	۱. آزادی، از دیدگاه شیخ
۷۷	الف) آزادی به معنی «رهایی ازستم و اختناق سیاسی» بآری!
۷۸	ب) آزادی به معنی «حق انتفا سازنده و بیان مصالح» بآری!
۸۰	پ) آزادی به معنی «امکان آشوب و اغتشاش» نه!
۱۰۰	ت) آزادی به معنی «بی بند و باری» و «امکان تخریب دین» نه!
۱۲۱	ه) پاسخ به یک سؤال
۱۲۷	۲. مساوات، از دیدگاه شیخ
۱۲۷	الف) مساوات به معنی «تساوی شاه و گدا در برابر حکم عدالت» بآری!

۱۲۹	ب) مساوات به معنی تساوی مسلمان و کفار در احکام جزایی و... نه!
۱۳۵	۳. مجلس شورا و رأی اکثریت، از دیدگاه شیخ
۱۳۵	طرح مسئله
۱۳۸	۱. چند نکته اساسی
۱۳۸	الف) قانونگذاری، شأن و رتبه اوست!
۱۴۳	ب) فرهنگ و تمدن خود دنیا و غرب با محاسبات مادی، قوانین بشری
۱۴۵	پ) مبانی «شروعیت» دو مجلس شورای اسلامی و پارلمان غربی
۱۵۱	ت) فقه پارسلر رشته دار نظام اسلامی
۱۵۲	ث) ملاک «شروعیت» و عدم مشروعیت رأی اکثریت چیست؟
۱۵۳	ج) احکام اسلام، ریشه در واقعیات ماستوار هستی دارد
۱۵۵	چ) ولایت فقیه، حکومت دانش و پارلمانی
۱۵۷	ح) نظام اسلامی، نظامی «واقع بین» و «حق سالار» است
۱۵۸	خ) چرایی و چگونگی حقوق و تکالیف در اسلام
۱۶۲	د) نظام اسلامی، نظامی «شایسته سالار» است
۱۶۳	ذ) فقه به چرخه احکام خود است، نه سلطان خود کامه!
۱۶۵	ر) نعمت حکومت اسلامی را، همگان با سر پذیریم!
۱۶۹	ز) جایگاه مردم در نظام اسلامی
۱۷۲	ز) ولایت، مقام «ان شاء» حکم است، نه اجرای آن
۱۷۴	۲. شورای اسلامی، آری یا ولعنا و رسم غربی، نه!
۱۸۰	۳. مبانی اندیشه شیخ را جمع به مجلس و اکثریت
۱۸۰	الف) مبانی فکری و اعتقادی
۱۸۱	کمال و جامعیت قانون اسلام، و عدم نیاز به قوانین غربی
۱۸۶	ولایت فقیه، شکند «این بستهها
۱۸۹	«وکالت» و «ولایت»؛ کارآیی و فیلر دوگانه
۱۹۵	احکام اولیه و حکم حاکم شرع؛ کدام یک تقدیم دارند؟
۱۹۷	نظارت و تنفیذ فقیه، شرط «شروعیت» مجلس شورا
۲۰۱	ب) مبانی سیاسی اجتماعی
۲۰۱	ایا به نحو قانونتخاب و کلا دو مجلس اول
۲۰۲	نفوذ اقلیت تندرو و منحرف، بر اکثریت مجلس اول
۲۱۱	عدم مادگی ملت برای استقرار رژیم پارلمانی
۲۱۷	

پیشگفتار

قضاوت در باره دیدگاهها و مواضع شیخ فضل الله نوری، چندان سهل و آسان نیست. آشنایی دقیق با نظریات و عملکرد این چهره بحث انگیز تاریخ معاصر، و عدم تحریف آگاهانه یا ناآگاهانه شخصیت و پیام وی - گذشته از صداقت و خلوص از کج تابی و کژاندیشی نسبت به اسلام و روحانیت - نیاز به پژوهشی جامع و تحقیقی ژرف در مواضع و جهتگیریهای شیخ در چرخه حوادث مشروطیت، و پیش از آن، آشنایی با مبانی اندیشه سیاسی وی، دارد.

فراموش نکنیم که فضای پژوهش در باب مشروطه و شیخ فضل الله را مه غلیظی (به غلظت حدود هشتاد سال) از تبلیغات مخالفین پوشانده، و چهره حوادث آن روزگار در هاله‌ای از پیرایه‌ها، تحریفها و سانسورهای تاریخی فرو رفته است.^(۱) کسانی که بنای داوری در باب شیخ شهید را دارند، چنانچه با آزادگی و حریت انسانی میانه‌ای داشته و از عدل و انصاف یکسره خالی نیستند، بایستی نخست (موقتاً) ذهن خویش را از پیشداوریه‌ها و بالآخر القائات مخالفین آن مرحوم خالی کنند، سپس به تتبع و تحقیقی کامل و عمیق در اسناد و مدارک دست‌اول تاریخی پیرامون مقامات علمی و معنوی، و تاریخچه حیات پرنشاط شیخ بپردازند و ضمناً از توجه به درجه صحت و سقم اظهارات مورخان، و میزان رعایت عدل و انصاف در آنها نیز غفلت نورزند.

افزون بر این، باید بکوشند مبدأ و منتهای مراحل گوناگون حرکت شیخ در مشروطه و پیش از آن را مشخص ساخته و «رمز» و «کیفیت» ورود و خروج وی در هر یک از آن مراحل را، واقع بینانه بررسی کنند. مهمتر از آن، در باب «جغرافیای معنوی» و «جایگاه تاریخی» کلمات آن مرحوم، بجای غور و تأمل ورزند و مفهوم دقیق واژه‌های به کار رفته در فرهنگ سیاسی شیخ (نظیر عدالتخانه، دارالشورای کبرای اسلامی و مشروطه مشروعه) و نیز معانی خاصی را که او از واژه‌هایی نظیر

۱. در دو کتاب «شیخ فضل الله نوری و مکتب تاریخنگاری مشروطه» و نیز «کالبد شکافی چند شایعه در باره شیخ فضل الله»، بتفصیل پیرامون این امر سخن گفته‌ایم.

آزادی و مساوات با مشروطه در نظر داشت معلوم سازند. و بالأخره، با توجه به غیرت و صلابت دینی شگرفی که وی با امتناع از پناهندگی به سفارتخانه های خارجی از خود نشان داد و با آغوش باز از مرگ در راه عقیده استقبال کرد، بکوشند که راهی به سوز و گداز و تب و تاب اصلی شیخ بیابند و او را درک کنند...

شیخ فضل الله نوری، هر چه بود و هر گونه می اندیشید، باری، بر سر عقیده خویش تا پایان عمر مردانه ایستاد. پس ما نیز از این مقدار مردانگی در باره او دریغ نورزیم که راست بگوئیم و راستیها را بگوئیم؛ و امید این قلم، همه آن است که سلسله آثار شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، این گونه کسان را اتمام حجتی باشد.

در دفتر حاضر، کوشیده ایم با نگاهی به مقام بارز علمی و زمان آگاهی شیخ و سپس تبیین دیدگاهها و نظریات وی درباره مقولاتی چون آزادی، مساوات، مجلس شورا و رأی اکثریت، راه را بر آشنایی دقیق با مواضع فکری و سیاسی آن مرحوم که بحثهای زیادی را برانگیخته است، هموار سازیم.

وَمِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ وَعَلَيْهِ التَّكْلَانِ
علی ابوالحسنی (مُنْذِر)

خانه، بر دامنه آتشفشان!

(شهادتنامه شیخ فضل الله نوری به ضمیمه وصیتنامه منتشر نشده او)

نویسنده: علی ابوالحسنی (منذر)



موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

فهرست

- سخن ناشر ۷
- عاشورا؛ حدیث ماندگار! ۱۱
- نبوغ سیاسی شیخ فضل الله (مردی که تمام پیش‌بینیهایش درست در آمد!) ۲۵
- معجزه عشق (کمالات و کرامات شیخ) ۵۱
- * ارادت به ساحت قدس اهل بیت علیهم السلام ۵۴
- * چالش با دشمنان ولی عصر (عج) ۶۰
- * رحمی بکن ای آهوی از دشت رمیده! ۶۱
- * کرامات شیخ ۶۴
- شیخ از قتل خویش آگاه بود! ۷۵
- در پناه عبد عظیم الهی (شیخ در تحصن حضرت عبدالعظیم علیه السلام) ... ۸۳
- وصیتنامه شیخ در تحصن حضرت عبدالعظیم علیه السلام ۹۳
- گفتگوی شیخ با طباطبایی و بهبهانی بر سر مشروطه و رمز مخالفت
وی با آن ۹۹
- ميثاق اُخُوّت و پایداری بین شیخ و مهاجرین ۱۲۷
- نامه شیخ به عضدالملک ۱۳۹
- * تنها سلاح من، در این میدان، سخن بود! ۱۴۳
- شیخ ترور می‌شود ۱۴۵
- داعیه ما، به عین، داعیه کربلا است! ۱۴۹
- اصرار سفارت انگلیس بر تبعید شیخ از تهران ۱۵۳

۱۵۵	اسلام، زیر بیرق کفر نمی رود!
۱۷۱	پرخاش بر سرِ پیرم خان! (در فضای مرگبار محکمه فرمایشی)
۱۷۵	تنهای شکیا...!
۱۹۱	داوری تاریخ در باره قاتلان شیخ...
۱۹۷	اندوه عالمان در شهادت شیخ
۲۳۳	مویه مرغ حق در سوک شیخ
۲۳۴	* زمان، زندگی و اخلاق علامه حاج شیخ مهدی مازندرانی
۲۳۹	* گفتار بزرگان درباره حاج شیخ مهدی
۲۴۲	* غیرت و حمیت دینی او
۲۴۳	* پرواز به کوی دوست
۲۴۶	* روایتگرِ مظلومیت و حقانیت شیخ فضل الله
۲۵۵	شیخ فضل الله نوری و مشروطیت از نگاه امام خمینی
۲۵۹	سوگ سرود شاعران در مرگ شیخ
۲۶۷	دست انتقام الهی...
۲۶۹	۱. سپهدار / سپهسالار تنکابنی
۲۷۲	۲. سردار اسعد بختیاری:
۲۷۲	۳. و بالآخره: پیرم خان!
۲۷۵	کتابنامه
۲۷۵	الف) مجموعه ها و اسناد
۲۷۶	ب) جراید و نشریات ادواری
۲۷۷	پ) کتب و مقالات

تصاویر

در دستهایش، «گل» بود و «قلم»؛ قلمی که جوهرش، خونِ دل بود و
خونابهٔ روح...

و در چشمانش، غمی، که «آگاهی» و «مهر»، از آن می‌تراوید.
پاداشِ «گل»، به «گلوله» و «دار»، منصفانه نبود...

درختی گشَن را می‌مانست، که در کویرِ رویده است؛ تنها و استوار در
برابر طوفان... و سروی بلند را، که با قامت رشیدش، آسمان را نشانه
رفته است؛ و پرنده‌ای را، که تنها، به آبی پرواز می‌اندیشد...
دماوند را می‌مانست، با همان بلندای برف پوش، و آتشفشانِ درون.
در عصر آخته‌ها و کوتوله‌ها، الگوی رشادت بود، و زلزله را - پیش
از آنکه آواز بر من و ما فرود آید - دید و هشدار داد.

دناسی راز بود و، نیوشای آواز؛ «راز» شگفتِ خلقِ انسان، و
«آواز»ی که پیامبر در غدیر سرداد: *مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهُوَ عَلَيَّ مَوْلَاهُ*!
بیراه نبود که، برای کشتنش، روز میلادِ امیر را برگزیدند!
هجرت زیبایش، هنوز در هودجی از اشک و آه، بردوشِ دلها بدرقه
می‌شود...

تنها نه اندوهِ عالمان، هتاکِ دشمنان نیز گواهِ بزرگی اوست.
اگر کوچک و حقیر بود، این گونه، خواب دشمنان را بر نمی‌آشت، و
وصفش

- به ستایش و نکوهش -

کران تا کران

گویش تاریخ را بر نمی‌ساخت

کالبد شکافی چند شایعه درباره شیخ فضل الله نوری

(فروش مدرسه چال به بانک استقراضی،

رشوه گیری از شاه و امین السلطان و...)

نویسنده: علی ابوالحسنی (منذر)



موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

فهرست

۵	تو در نماز عشق چه خواندی...!!
۷	سخن ناشر
۱۳	پیشگفتار
۱۵	بخش اول: عدالت، شفقت و دقت قضایی شیخ
۱۷	محکمه پررونق، احکام معتبر
۲۰	اعمال نفوذ در قوه قضائیه، ممنوع!
۲۴	عدالت، وقتی اجرا می شود که دانه درشتها را بگیرند!
۲۵	آخر چگونه ملتفت این نکته نیستید؟!
۲۸	نادعلی، مهرها را بشکن!
۳۱	به قدری خوش مضمون و قشنگ نوشت که...
۳۲	پاکدستی؛ میراث شیخ برای فرزندان
۳۳	بررسی یک اتهام: آبا شیخ، صد هزار حکم ناسخ و منسوخ داده است؟!
۴۳	بخش دوم: فروش مدرسه چال به بانک استقراضی ربطی به شیخ نداشت!...
۴۵	طرح مسئله
۴۹	نکات قابل تأمل در گزارش مل در گزارش مورخان از ماجرا
۴۹	الف) تناقض بین گزارشها
۵۲	ب) گزارشگران، نوعاً از دشمنان شیخ اند
۵۴	ج) نقل یکسویه ماجرا
۵۷	اسناد دست اول، نشان از بی گناهی شیخ در ماجرا دارد
۶۳	بخش سوم: شیخ، اهل سازش با روسها نبود!
۶۵	شیخ، آماج اتهامات
۶۸	اقدامات شیخ بر ضد نفوذ و سلطه روسیه
۶۸	۱. طبع و انتشار فتوای ضد استعماری / ضد روسی

۲. براندازی صدراعظم روس فیل ۶۹
۳. همکاری با صدراعظم استقلال خواه و مخالف با سلطهٔ روسیه ۷۰
۴. ضدیت دوستان شیخ (در دربار محمدعلی شاه) با ایادی روسیه ۷۲
۵. نهضت عدالتخواهی، انگیزهٔ ضدّ... روسی داشت ۷۶
۶. هشدار نسبت به دسایس روس و انگلیس در مشروطه ۷۷
۷. حمایت از «بانک ملی»، برای قطع نفوذ اقتصادی روس و..... ۷۸
۸. چالش با استراتژی روس و انگلیس در استبداد صغیر ۷۹
۹. امتناع از پناهندگی به سفارتخانهٔ روسیه ۸۲
- محقق بی طرف، شیخ را دلبستهٔ کیان اسلام و استقلال ایران می‌یابد ۸۴
- بخش چهارم: آیا شیخ، از امین السلطان رشوه گرفت؟! ۸۷
- سنگها و خدنگها ۸۹
- تکذیب اتهام توسط برخی شاهدان عینی ۹۱
- نقض دهگانه بر سخنان کسروی ۹۳
- بخش پنجم: آیا شیخ از محمدعلی شاه پول گرفت؟! ۱۱۷
- تفہیم اتهام! ۱۱۹
- نقد سخن کسروی ۱۲۱
- دلایل سه گانه بر نادرستی اتهام ۱۲۳
- سخن شهید مدرس در براءت ساحت شیخ از اتهامات ۱۳۴
- بخش ششم: شیخ شدیداً از رشوه بیزار بود! ۱۳۹
- پیشنهاد دهندگان رشوه، ناکام باز می‌گردند! ۱۴۱
- «استمالت» عین الدوله، و «استنکار» شیخ ۱۴۳
- شیخ حتی از «موضع تهمت» می‌گریخت! ۱۴۵
- بخش هفتم: آیا مخالفت شیخ با مشروطه بر سر قالیچهٔ ریاست بود؟! ۱۴۷
- طرح اتهام ۱۴۹
- اتهام زندگان، خود، اتهام را باور ندارند! ۱۵۱
- مرگ زیبای شیخ، ناقض اتهام وی به دنیا طلبی است! ۱۵۴
- اگر شیخ ریاست می‌خواست، باید با مخالفان سازش می‌کرد! ۱۵۸

- تضاد مشروطه غربی با اسلام، انگیزه کافی برای مخالفت شیخ بود. ۱۶۱
- اتهام ریاست طلبی به شیخ، از متن به حاشیه رانده می شود! ۱۶۴
- اتهام یادشده، با واقعیت تاریخ، همخوانی ندارد! ۱۶۹
- بخش هشتم: اتهام زندگان، خود متهم اند! ۱۷۷
- سیاهه اتهام زندگان به شیخ ۱۷۹
- رشوت ستانی انجمنهای صدر مشروطه ۱۸۳
- رشوت ستانی ناطقین و ارباب جراید ۱۸۶
- مروری بر پرونده چند تن از اتهام زندگان به شیخ ۱۸۷
۱. ملك المتكلمين ۱۸۸
- ۱-۱. اتهام به باییت (ازلی گری) ۱۸۸
- ۲-۱. فساد عقیده، اظهارات کفر آمیز ۱۹۴
- ۳-۱. عضویت در فراماسونری، دوستی با عناصر مرموز ۱۹۶
- ۴-۱. تندروی و آشوب گری ۱۹۸
- ۵-۱. اخاذی و رشوت ستانی ۲۰۵
۲. سید جمال الدین واعظ اصفهانی ۲۱۶
- ۱-۲. فساد عقیده، و اتهام به باییت ۲۱۶
- ۲-۲. جاه طلبی، مال دوستی و ارتباط با دربار ۲۲۳
۳. حاج سیاح محلاتی ۲۲۶
۴. مدیر حبل المتین ۲۲۹
- پاسخ به یک سؤال: ۲۳۲
- بخش نهم: تهمت زندگان رسوا می شوند! ۲۳۳
- نطق آقا یوسف شیرازی ۲۳۵
- داوری محدث بزرگ شیعه، درباره شیخ ۲۳۶
- گواهی دو رادمرد پارسا به پاکی شیخ ۲۳۶
- بخش دهم: به راستی، جرم نابخشودنی شیخ چه بود؟! ۲۳۹
- جرم شیخ، دفاع از دین و استقلال کشور بود! ۲۴۱
- نامه فرزند صاحب عروه به پدر ۲۴۴

۲۴۵		فرق ضالّه و مادی مسلکان، آلت اجرای دسائس استعمار
۲۶۰		حق پوشیده نمی ماند! (اعتراف شگفت ناظم اسلام)
۲۶۳		ضمائم:
۲۶۳		ضمیمه ۱: بانک شاهنشاهی ایران و انگلیس؛ ماهیت و مواضع استعماری
۲۶۷		ضمیمه ۲: روابط و مناسبات شیخ فضل الله و امین السلطان از عصر ناصرالدین شاه تا مشروطه
۲۹۵		کتابنامه
۲۹۵		الف) مخطوطات
۲۹۵		ب) جراید و نشریات ادواری
۲۹۷		ت) کتب و مقالات

پیشگفتار

سخن از چند شایعه است؛ شایعه‌هایی که عمدتاً به منظور «تخریب» و «ترور شخصیت» شیخ فضل‌الله نوری، فقیه صاحب نام و بحث‌انگیز عصر مشروطه، ساخته و تکثیر شده و حتی در طول زمان تورّم یافته است!

شایعه پردازان مدّعی‌اند که: شیخ فضل‌الله، با اخذ رشوه از روسها، زمینی را به بانک استقراضی روسیه فروخته است. نیز او را متهم به رشوت ستانی از محمدعلی شاه و صدراعظم وی: امین السلطان کرده‌اند. و نیز... و نیز...

به رغم این گونه شایعات، پاره‌ای از مورخان و تحلیلگران مشروطه، داستان‌هایی چون فروش زمین به بانک استقراضی را (خصوصاً با شاخ و برگهای زیادی که یافته) افسانه‌ای بر ساخته دشمنان شیخ می‌شمارند و حتی دست خارجی را در شیوع و رواج گسترده آن بی‌تأثیر نمی‌دانند.

به راستی این شایعات، تا چه حد مقرون به صحت بوده و در صورت عدم صحت، چه اغراضی پشت آنها قرار داشته است؟

شیخ فضل‌الله نوری، دهها سال در تهران، پایتخت ایران، محکمه قضا داشت و ناظران بی‌طرف، چنانکه خواهیم دید، کارنامه قضایی او را به پاکی و درستی ستوده‌اند. چنانکه «اقبال چشمگیر» مردم به محکمه شیخ در آن روزگار، خود دلیلی کافی بر پاکدستی و دادخواهی اوست. و اگر شیخ، اهل رشوه و این گونه امور بود، هرگز چنان محبوبیتی را در بین خواص و عوام به دست نمی‌آورد.

داوری بین دوتن یا دو گروه، اما، هر قدر هم صحیح و منطقی صورت گیرد - از آنجا که حکم صادره، بهر حال، به «زبان» یکی از طرفین دعوا بوده و «محکومیت» شاکی یا متشاکی را در بر دارد - چنانکه می‌دانیم نوعاً خشم طرف محکوم را بر می‌انگیزد، و بدین گونه، هر قدر بر طومار محاکمات افزوده می‌شود آمار ناراضیان فزونی می‌گیرد. افزون بر این، زورمندان جامعه که قاضی و محکمه را «مانع خودکامگی‌ها و تُرکتازی‌ها»ی خویش می‌بینند از پای نمی‌نشینند و با ترفندهای

گوناگون، به جو سازی و پخش شایعات می‌پردازند... حسادت رقیبان نیز که بساط خویش را در قبال آن محکمه «کم رونق» می‌بینند، البته، جای خود دارد.

خدا نکند که قاضی چنین، سیاستمداری «اصولی» و مبارزی «بی پروا و خستگی ناپذیر» هم باشد و در برابر کسانی که دین را، در عرصهٔ اجتماع و سیاست، سست و متزوی می‌خواهند بایستد، منبر رود، روزنامه منتشر کند و بدتر از آن! در برهه ای سخت طوفانی، همچون دوران مشروطه، چنگ بر چهرهٔ روس و انگلیس (که دست خود را، با عقد قراردادی علیه ایران، به دوستی فشرده‌اند) افکند و خواب خوش لندن و پترزبورگ را آشفته سازد! وای و صد وای، که در این صورت، کمترین کیفر چنین شخصیتی «مرگ خونین» خواهد بود و حتی به جنازه‌اش نیز نباید رحم شود!

... و شیخ، همهٔ اینها را داشت! هم محکمه‌اش پر رواج بود، و هم رقیبان و حریفانی زورمند داشت... افزون بر این همه، با احساس تکلیف، به دریای طوفانی سیاست زده و بی پروا با «استراتژی» همسایگان طماع و سلطه جوی آن روز کشورمان (که «بلغ ایران» بود) درافتاده بود و تبعات آن را - آگاهانه و فداکارانه - به جان خرید...

کُل مسئله، ظاهراً همین است که گفتیم!

شایعات، اما - هرچه و دربارهٔ هرکه باشند - ممکن است درست باشند. چه، انسان غیر معصوم، «جایز الخطاء» است (و نه البته لازم الخطاء!) و قاضیان صالح هم از خطای در داوری کاملاً مصون نیستند. از این رو، حتی در مورد قضات پاکدامن نیز نایستی از کنار اتهامات به سادگی گذشت. دست کم می‌توان، با بررسی صحت و سُقم شایعات، صدق نیت یا سوء طینت شایعه افکنان را محک زد و ابعاد جنگ روانی آنان را افشا کرد. آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟!

دفتر حاضر، در ادامهٔ بررسیهای تاریخی پیرامون شیخ فضل‌الله و مشروطیت، نمونه وار به تحقیق دربارهٔ صحت و سُقم برخی از شایعات فوق می‌پردازد و بررسی این مسئله را نیز از «مروری کلی بر کارنامهٔ قضایی شیخ» آغاز می‌کند.^(۱)

علی ابوالحسنی (مؤید)

۱. در موارد نقل مطالب از مآخذ گوناگون، تأکید روی کلمات (جز مواردی که استثنا شده) همه جا از ما است.